

اگر باران ببارد...

باران خواهی از کهن ترین آیین ها در خاک خشک خراسان زمین است

حسن احمدی فرد

در خاک خشک خراسان، باران برکت است؛ برکتی که از آسمان می بارد و زمین را بارور می کند. حتی حالا که سامانه های نوین آبیاری به کمک آمده اند، باز هم بیشترین زمین هایی که هر سال کشت می شود، زمین های دیم است. از این رو، کشاورزها از آغاز سال زراعی، که برابر با آغاز فصل سرماست، چشم به آسمان دارند تا ببارد. آن ها همه زمستان را در خانه می مانند و دعا می کنند تا برفی ببارد، برفی که در خاک خشک خراسان همیشه خدا کم باریده است. در خراسان تا بوده، زمستان جولان گاه خشکه سرما هلوده است. از این روست که آیین های مرتبط با برف، در فولکلور ما مردم بسیار کم است؛ هر قصه و افسانه ای که هست، درباره سرماست که بر سرتاسر زمستان های طولانی سیطره داشته است و دارد. این سرماها به ویژه در آن روز و روزگارها که گرم کردن خانه ها به سادگی امروز نبوده، جلوه ترسناک تری داشته است. آیین های زمستان گذرانی و چشم انتظار ی بهار هم از این روست که در فولکلور خراسان فراوان اند؛ آتش افروزی،

نماز باران؛ سنت کهن ایرانی



آنکه نماز باران در هیئت آیینی اسلامی هم با خراسان و خراسانی ها پیوند خورده است. در ایام حضور حضرت رضا^(ع) در شهر مرو^(د) ترکمنستان فعلی، نزدیک شهر درگز^(م) مردم از ایشان می خواهند دعا کنند که باران ببارد. حضرت از مردم می خواهند نماز باران بخوانند. آن گاه به سنت رسول...^(ص) یا پیراهن سپید بر تن و با پا ی برهنه پیشاپیش مردمان راه می افتند تا در دشت نماز باران بخوانند. مردم در پی فرزند رسول...^(ص) به راه می افتند تا به ایشان اقتدا کنند. حکومت جور مأمون که از محبوبیت حضرت رضا^(ع) در میان مردم بیمناک بود، مانع برگزاری نماز می شود. هر چند همین حرکت ناتمام، نماز باران را به نام مقدس حضرت رضا^(ع) و خاک خراسان پیوند می زند.

کشاورزان، امروزه روز هم وقتی ابرهای بهاری بخل می کنند نمی بارند، نماز باران می خوانند تا بلکه دست طبیعت، آب های شیرین را در هیئت باران بر زمین ببارانند.

که پای ثابت این آیین هاست، نماد تلاش برای شکست دادن سرماست.

زمستان با همه سردی و سیاهی اش سرانجام می رود و جای خود را به بهار می دهد؛ به حیات دوباره دنیا. نوروز جشن نوزایی زمین است. باروری دوباره مادر زمین نویدبخش برکت است، برکتی که محور همه آیین های کهن است. در ایران زمین، برکت خواهی اصل و اساس همه آیین هایی است که از روزگاران کهن به ما رسیده است. چه اینکه همین برکت بوده که امکان گذران زمستان های سرد و خالی را فراهم و زندگی را در این فلات حاصلخیز ممکن می کرده است. با رسیدن نوروز، کشاورزها از زیر کرسی ها و لحاف های گرم بیرون می آیند تا دوباره کشت و کار کنند؛ دانه های گندمی که آن ها پیش از زمستان بر دامن زمین پاشانده اند، حالا سبز شده اند. سبزه ها زیر آفتاب دل چسب بهاری قدمی کشند و بالای می دوند و به زودی خوشه می بندند و برکت را با خود به کندوهای آورند، البته اگر باران ببارد. آیین های باران خواهی از کهن ترین آیین های خراسان زمین، از روزگاران پیشین تا امروزه روز است.



غلور، گندم و اساطیر ایران زمین



و ترتیب تاریخی، گاه و بیگاه در آن پخت و پز می شود. «غیاث الدین خواندمیر» در کتاب «مکارم الاخلاق» در تشریح خدمات امیرعلیشیر نوایی، وزیر کاردان دولت تیموری، به ساخت رواق دارالحفاظ در حرم مطهر رضوی اشاره می کند و می نویسد: «دارالحفاظ که در مشهد مقدسه داخل روضه رضویه علی صاحبها السلام والتحیه- ساخته اند و آن را به نقوش اسلامی و ختایی از لاجورد و طلا در غایت تکلف پرداخته اند؛ و ایضا ایوانی در کمال رفعت و نهایت زیب و زینت در همان روضه شریفه بنا کرده اند و غلورخانه ای نیز احداث نموده اند که هر روز در آنجا به اطعام فقرا و ضعفا و ایتام قیام نمایند...» سنت غلورپی در تمامی باران، هنوز در خراسان زمین سنتی جاری است. رسم است که کسی از بزرگان، به در خانه هابرو دواز صاحبان خانه چیزی گدایی کند. در این سنت، صاحبان خانه بیشتر مقداری گندم یا حبوبات به آن بزرگ می دهند. پیام دین سنت در خواست و تمنا، تأمین اقلام لازم برای پخت غلور است که پس از پخت بین فقرا توزیع می شود تا بلکه به دعای آن ها باران ببارد.

چولی قزک بارون کن



دباره این عروسک بی قواره و ارتباط آن با باران و نیز ارتباط این آیین با آیین هایی کم و بیش همانند، مانند آیین «کوسه برنشین» در ایران مرکزی، «بوکه باران» در غرب ایران و «عروس گوله» در حاشیه دریای مازندران، بحث های فراوانی در جریان است؛ هر چه هست، چولی قزک عروسکی است که خراسانی ها با گرداندن آن می کوشند آسمان بسته را بگشایند.

«بستن» باوری کهن در خراسان زمین است و ارتباطی پیوسته با مفهوم زایش دارد. در این باور، همچنان که زهدان زنان بسته می شود، آسمان هم بسته می شود و همچنان که در اثر این بستگی، زهدان زن از زایش می افتد، آسمان هم قدرت زایش خود را که همان توان باریدن باشد، از دست می دهد. کشاورزان خراسانی برای رفع بستگی آسمان، یک سنت قدیمی دارند. آن ها سرخری مرده را با زغال سیاه می کنند و ابتدا در آتش و سپس در آب می اندازند. به باور آن ها وقتی سرخ را آتش در آب می افتد، بخاری که از آن به آسمان می رود، بخت بسته آسمان را می گشاید تا دوباره زایش باران رخ نماید. در این میان، آیا سرخری که با زغال سیاه شده است، یادآور دیو اپوش نیست؟ می بینید آیین های باران خواهی در خراسان چقدر می تواند کهن باشد!

«... بده تو بارون» شاید آشناترین دعای باران باشد، دعایی که هر بهار کشاورزهای خراسانی آن را با ساز و آواز می خوانند تا شاید بغض آسمان بترکد.

ابر سیاه مرمر خود را کشیده یک ور بارون ببارد جرجر... بده تو بارون به حرمت مزارون ابر سیاه هندو خود را کشیده یک سو بارون ببارد هوهو... بده تو بارون به حرمت مزارون سگش پتیر مایه بزاغله شیر مایه... بده تو بارون به حرمت مزارون آواز باران خواهی اما با آیین عروسک گردانی هم همراه بوده است. «چولی قزک» عروسک باران است. پسران و دختران نوجوان، چولی قزک را در کوچه ها می گردانند تا هرکس که تمنای باران دارد، کاسه آبی بر او بپاشد و بخواند که: چولی قزک بارون کن بارون بی پایون کن

مسافران «مارا»

کنیا از انگشت شمار کشورهای بود که نوروز امسال ایرانیان می توانستند برای سفر خارجی انتخاب کنند. این کشور شرق آفریقا، ۴۵ میلیون نفر جمعیت دارد. قبیله ماسایی از قبایل معروف کنیاست که جمعیتش به ۲ میلیون نفر می رسد و در دامنه های کوه کلیمانجاروبین مرز کنیا و تانزانیا قرار دارد. نام سرزمینی که این قوم در آن زندگی می کند، «مارا» است و به همین دلیل نام قبیله نیز به ماسایی مارا معروف است. فیل، کرگدن، شیر، بوفالو و پلنگ، ۵ پستاندار بزرگ دنیا هستند که در این سرزمین زندگی می کنند. از این نظر که کمتر جایی در دنیا پیدا می شود که همه این حیوانات بزرگ یکجا جمع باشند، سرزمین مارا متفاوت است و هر سال ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار گردشگر برای بازدید از این حیات وحش، به این مکان سفر می کنند.



● ساخت خانه و چرای دام به عهده خانم هاست

بعد از بازدید از رافه ها و اسب های آبی دریاچه ناپاشا، مسافران برای دیدار با قبیله های بدوی ماسایی و حیات وحش آن راهی سرزمین ما می شوند. هر ۱۰ تا ۵ خانه یک قبیله را تشکیل می دهند. این قبایل به دور از فناوری و با کمترین امکانات زندگی می کنند. به عبارتی هر آنچه دارند دست ساخته خودشان است. هر قبیله، یک رئیس و یک پیرمرد و یک جادوگر دارد. بر پایه قانون قبایل، هر کسی که گاو زیادی دارد، می تواند زن بیشتری اختیار کند. بچه در این قبایل خیلی مهم است، چون بر پایه تفکر آن ها هر کس فرزند بیشتری دارد، قدرتش بیشتر است. ساخت خانه و به چراردن گاو و گوسفندان به عهده خانم هاست. مردان به دنبال شکار می روند. خانه ها از کا هگل، چوب، سنگلاخ و... ساخته می شود. پنجره خانه ها خیلی کوچک ساخته می شوند، به اندازه ۲۰ در ۲۰ سانتی متر، زیرا بومیان معتقدند نور بزرگ باعث آمدن پشه به خانه می شود. اندازه خانه ها نیز بسیار کوچک است و در همین خانه های کوچک چندین نفر زندگی می کنند. آن ها روزانه ۲ وعده غذای خورند؛ صبح نان و شیر و شب گوشت.



● ازدواج به شرط شکار شیر

بعد از به دفعات رفتن میان قبایل ماسایی، متوجه شدم که گردشگرها فقط اجازه دارند به تعداد محدودی از این قبایل سرزنند. بقیه قبایل شبیه هم هستند، ولی از طرف سازمان گردشگری کنیا، اجازه بازدید فقط برای چند قبیله صادر می شود. خواه ناخواه گردشگرهایی که به قبایل بدوی سر می زنند، تأثیرهایی بر زندگی آن ها می گذارند. اما به عقیده من این تأثیر بیشتر مثبت است و درآمدزایی هم برایشان دارد. گردشگر با خرید از آن ها کمک می کند چرخه زندگی شان من این تأثیر بیشتر مثبت است و درآمدزایی هم برایشان دارد. گردشگر با خرید از آن ها کمک می کند چرخه زندگی شان بهتر بچرخد. آن ها زیاد علاقه ای به پول ندارند. از شکلات، خود کار و این طور کالاها بیشتر استقبال می کنند و ما هم هر زمان به آفریقای می رویم، سعی می کنیم از این وسایل همراه داشته باشیم و به کودکان بدهیم. فرزند نا پسر ماسایی از پانزده سالگی باید به شکار شیر بروند و اگر نتوانند یک دندان شیر بیاورند، به این معنی است که قدرتمندند و می توانند ازدواج کنند. البته به جز این برای ازدواج باید گاو هم داشته باشند.



● شیر فقط برای خودش شکار نمی کند

مسافران بعد از آشنایی با قبایل وارد پارک ملی ماسایی مارا می شوند. از نایروبی تا این پارک با خود و ۵ ساعت راه است. در زندگی این حیوانات، انسان هیچ دخل و تصرفی ندارد. دیدن زرافه، فیل و کل های پال دار و حتی تمساح ها حاس خاصی دارد. در این پارک ها نباید عطر و ادکلن بزنید و سرو صدا کنید تا ضمن احترام به محیط زندگی حیوانات، بتوانید از تماشای آن ها بهره مند شوید. ممکن است دیدن برخی صحنه های شکار زیاد خوشایند نباشد، اینکه جلو چشم شما شیر یک آهوا شکار کند، ممکن است دل خراش باشد، اما نباید فراموش کرد این قانون طبیعی طبیعت است. یکی از صحنه های جالب این است که شیر وقتی شکار می کند، نزدیک به ده پانزده حیوان مختلف از غذای شیر تغذیه می کنند.

وقتی شیر شکار می کند، اول شیر قوی تر، بعد شیرهای دیگر، بعد بچه هایشان و بعد روباه ها، شغال ها، کرکس ها، مانگوس ها (موش ها) و نیز مورچه ها از غذای شیر سهم دارند. شیر فقط برای خودش شکار نمی کند.

روزنامه شهرامید ورزشی

اشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۷ ۱۲ شهریور ۱۳۹۷ شماره ۳۳۵۰

SHAHRAHNEWS.IR ۱۳

خراسانیات